یک پیشکسوت اطلاعاتی و ادعای قتل فریدون فرخزاد توسط مجاهدین

عباس سلیمی نمینی شریف از مهره های لورفته اطلاعات آخوندی است که نسبت به تازه به دوران رسیده های اخیر اطلاعاتی رژیم حق تقدم دارد. او در دفتر سیاسی سپاه مشغول بود و و هم اکنون مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران است. در گذشته به مدت ۱۳ سال مدیر مسئول کیهان هوائی بود.

سلیمی نمین در (۲۴خرداد امسال۱۳۹۹) مصاحبه ای داشته است با اعتماد آنلاین رژیم. و ادعاهایی کرده است که نشان می دهد هنوز بعد از این همه سال مدال کودنی را به صورتی تقریبا انحصاری از آن خود می داند. او در این مصاحبه مدعی شده که فریدون فرخزاد را مجاهدین کشته اند. بهتر است برای درک بهتر درماندگی وزارت اطلاعات آخوندی که مهره های جدیدش از قبیل ایرج مصداقی را به جان مجاهدین انداخته عین مصاحبه را بخوانید. مهره های جدیدالورود وزارتی زیاد دلخوش نباشند که پیشکسوتهایی مثل سلیمی داشته اند. خودشان هم دست کمی از او ندارند.

متن مصاحبه:

\*یک داستان که خیلی معروف است و چند وقت پیش از آقای شکوهی خواندم، ماجرای درخواست و تماس تلفنی فریدون فرخزاد برای برگشتن به ایران [است]. این ماجرا را تعریف کنید! قصه تماس آقای فریدون فرخزاد با کیهان هوایی و درخواستش برای برگشت به ایران چه بود؟

 بعد از مدت کوتاهی که به کیهان هوایی آمدم، یکی از کارهایی که در کیهان هوایی انجام دادیم، ارتباط با مخالفین در خارج از کشور بود. یعنی مطالب‌شان را می‌زدیم، با هم بحث می‌کردیم که گاهی وقت‌ها... به یاد دارم آقای باهنر معاون نایب‌رئیس مجلس بود. یک بار در صحن مجلس از کیهان هوایی انتقاد کرد که چرا مطالب ضدامام و ضدانقلاب را می‌زند. البته خیلی توجهی به این مورد نشد، چون در واقع توانسته بودیم مشی خودمان را روشن کنیم که ما یک‌طرفه نمی‌زدیم، ضدانقلاب را می‌زدیم که به شدت مبانی انقلاب و مبانی نظام یا امام را زیر سوال می‌برد و در مقابل جواب می‌دادیم. مطلب را در کنار جوابش چاپ می‌کردیم. این کار را از همان ابتدا که به کیهان هوایی رفتم شروع کردم. علاوه بر این، از مطالب نشریات خارج کشور هم مطلب می‌زدیم و آن را هم نقد می‌کردیم، صفحه بازار مکاره داشتیم و ارتباطاتی به این شکل با فضای خارج از کشور ایجاد کردیم. این باعث شد نامه می‌نوشتند، بحث‌هایشان را مطرح می‌کردند، یک روز من در دفترم بودم، منشی گفت آقای فریدون فرخزاد از خارج از کشور تماس گرفتند. گوشی‌ را گرفتم، ضبط هم کردیم. آن‌موقع چون کار ما حساس بود همه مکالمات خودمان را ضبط می‌کردیم. دلیل هم داشت. به همه بچه‌های خبرنگار هم گفته بودم ضبط کنند.

 \*در آن مقطع با وزارت اطلاعات هماهنگ کرده بودید؟

 نه... گفت من فرخزاد هستم، درست است که در اردوگاه‌های مجاهدین خلق رفتم، ولی به این رسیدم که اینها خائن هستند، می‌خواهم جدا شوم و به ایران بیایم. ایشان به جد می‌خواست به ایران بیاید و تبری می‌جست از اینکه به اردوگاه‌های اسرا رفته و برای منافقین برنامه اجرا کرده. ابراز ندامت می‌کرد و می‌گفت اینها جریان سالمی نیستند و خائن هستند. متاسفانه وقتی در موسسه پیچید که فرخزاد تماس گرفته، بچه‌های تحریریه کیهان آمدند گفتند این نوار را به ما بدهید گوش کنیم. گفتم این تنها سند ماست. گفتند فقط در تحریریه گوش می‌دهیم، برمی‌گردانیم...

\*چه کسی می‌خواست گوش کند؟

 بچه‌های روزنامه کیهان.

مرگ فرخزاد کار منافقین است

\*چه کسی؟

اسامی را به یاد ندارم. بعد گفتند ما اشتباهی دست به رکورد زدیم، پاک شده است! این‌قدر من عصبانی و ناراحت شدم. بیشتر عصبانیت من از این بود که بعد مدت کوتاهی، ایشان به طرز فجیحی کشته شد و این نوار برای ما خیلی مهم بود که مشخص می‌کرد این کار، کار منافقین است ولی متاسفانه سند را از دست داده بودیم.